

دریچه‌ای به تاریخ

ویسپوبیش، سال ۱، شماره ۹

اکنون نیز این هنر را یاد نگرفته‌اند. همه‌ی دولتمردان، مدیران، دانشمندان و فلاسفه‌ی [حکومت] عرب، بیگانگانی بوده‌اند که به دین اسلام گرویده و از همان ابتدا، بدون دخالت اعراب و حتی به رغم آنان، به فرمانروایی در امپراتوری اعراب پرداخته‌اند. اعراب، نژاد نجیبی هستند که فرد فردشان با ارزش، ولی مجموعشان در درک مفهوم ملت و سیستم ناتوان‌اند. خودشان را تا حد وابستگی به قبیله‌ی خود ترقی می‌دهند ولی فراسوی آن نمی‌روند...

ایرانیان، آنچه را که برای اعراب، درک نکردنی است، می‌فهمند و با هوش و ذکاوتی که دارند، قادر به درک هرچیزی هستند، اما فاقد ثبات روحی‌اند، منطق سرشان نمی‌شود و مخصوصاً مبانی اخلاقی آنان سست است.

افغان‌ها [نیز] سربازانی هستند با انرژی فراوان، قدرت روحی زیاد، استقلال فکری فوق‌العاده؛ و به‌هرحال سربازند و مفهوم دولت را که عرب‌ها هرگز درک نکرده‌اند و برای بسیاری از ایرانیان نیز کهنه شده است، در نظر آنان [افغان‌ها]، به شکل سربازخانه‌ای است که روزی باید رضایت به دخول آنان بدهند.» (صص ۳۳۱ و ۳۳۲)

«بنابراین به نظر من، استقرار یک کشور اروپایی در خاورمیانه، امکان‌پذیر است و این به دو نحو می‌تواند صورت بگیرد:

«کنت ژوزف آرتور دوگوبینو» بین سال‌های ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۸ میلادی از سوی دولت فرانسه در ایران بود، برداشت‌های خود از اوضاع ایران و روحیات ایرانیان را در سفرنامه‌ی «سه سال در آسیا» **Trois ans en Asie** (ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی - نشر قطره - چاپ اول ۱۳۸۳) برای آیندگان برجای نهاد. در این بخش، آخرین پاره از گزیده‌ی نظرات این متفکر اروپایی را بازخوانی می‌کنیم و شما را برای مطالعه بیشتر، به کتاب‌های وی و نویسندگانی نظیر او از سده‌ی نوزدهم میلادی (که ریشه‌های ایران‌معاصر در آن برقرار شده است) ارجاع می‌دهیم:

معنای دولت و ملت:

«برای من مسلم شده است که در کشورهای که سفر کرده‌ام، ملت سیاسی به معنای واقعی و مفهومی که امروز به آن می‌دهند، وجود ندارد. اعراب نمی‌توانند این عنوان را بر خودشان بگذارند و در هیچ دوره‌ای نتوانسته‌اند.

وقتی اسلام بطور ناگهان آنان را از بیابان‌هایشان برداشت و به عنوان فاتح، به میان اقوام باستانی... افکند، ذوق غارت و چپاول را به آنان چشاند ولی هنر اداره کردن مردم را به آنان نیاموخت و از آن زمان تا

یکی... روش انگلیسی که ایجاد سلطه بر ملت مغلوب، بدون مخلوط شدن با آن است... و از نقطه نظر ملل تحت سلطه، این اشکال را دارد که دائماً حالت موقتی دارد و با بی‌صبری سنگینی، آن را تحمل می‌کنند و به آن ناسزا می‌گویند.

روش دیگر آن است که... امروزه روس‌ها در سرزمین‌های آسیایی خود دنبال می‌کنند: این که بومیان را همانند کشورگشایان در اداره امور کشور دخالت بدهند... [یعنی] به نحوی با هم مخلوط شوند که بصورت یک ملت واحد در یک سرزمین درآیند.» (صص ۳۳۳ و ۳۳۴) البته «آسیا، لقمه‌ی اشتهاانگیز فریبنده‌ای است که سرانجام، خورنده را هلاک خواهد کرد.» (ص ۳۳۸)

آ.آ - پایان بخشِ دوگوبینو

